

هر که شایسته‌گی دریافت زیبایی را داشته باشد، هرگز پیر نخواهد شد.

www.mandegardaily.com

سال ششم شمارة یک هزار سه صد و سی و دو چهار / دوشنبه ۲ سرطان / تیر ۱۳۹۳ / ۲۴ شعبان المعظم ۱۴۳۵ / ۲۳ جون ۲۰۱۴

تشت رسوایی کمیسیون انتخابات از بام افتاد



صفحه ۶

خاموشی و حشتناک در قبال جرم مشهود انتخاباتی



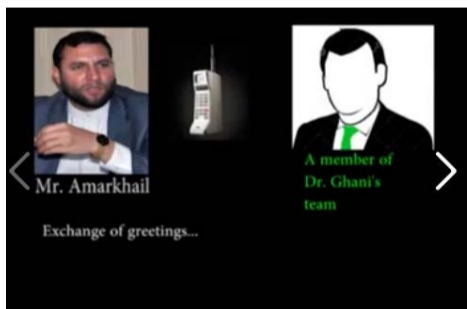
جرم امرخیل، جرم مشهود است. طبق قانون، مأمورین دولت وقتی مورد اتهام قرار می‌گیرند و سوءن قوی علیه وی موجود می‌باشد، باید تا هنگام ختم تحقیق، وظیفه‌اش مور تعلیق قرار گیرد. اعتماد به بی‌طرفی دست‌اندرکاران تدویر انتخابات، یک عنصر مهم در پذیرش نتایج می‌باشد. در موجودیت امرخیل هم‌چون عنصری وجود ندارد.

صفحه ۶

د اصلاحاتو او همپالنې د ټيم د بې ساري افشا کولو متن

د امرخیل پلان شوې درغلی

د اشرف غني احمدزی د کمپاین له یوه غړي سره د ټاکنو د خپلواک کمیسیون د دارلانشاء د مشر خبرې اترې: امرخیل: بلې سلام علیکم! د اشرف غني د کمپاین غړي: بلې سلام! سلام وروړه! جور په خیر ښه یې صحت دې ښه دی. امرخیل: څنگه یې کارونه دې ښه دي؟ د اشرف غني د کمپاین غړي: ولا ښه دي. اوس په غزني غږېدو، دا والي صیب دلته دی. امرخیل: والي ته وای څه شی کوي دلته کابل کې؟ د اشرف غني د کمپاین غړي: دا اوس راغلی دلته یې لږ کار دی. امرخیل: ورته وایه سبایي لار هلته کار وکړئ او بل دا



قوماندان د امنیې باندې ورته وایه کار وکړئ لږ. د اشرف غني د کمپاین غړي: هو هو اوس مو پرې خبره وکړه. امرخیل: څه یې ویل.

د اشرف غني د کمپاین غړي: هغه تشویشونه مو هغه کړل. او بل دا د مرکزونو خبره وه. چې هغه کوم ځای نوی هغه شوی وای هلته هغه کړو، بیا به په دې خبره وکړو. امرخیل: نه نه ما ورسره پرون هم خبره کړې خو څه وایې، چې قوماندان هغې خوا ته دی که دېخوا؟ د اشرف غني د کمپاین غړي: دی وایې هغه دی. یانې په تشویش کې دی په انتخاب کې. امرخیل: خو ما پرون ورته وویل، چې قوماندان را وغواړئ که نه. دا پوپل (جیلانی پوپل) څه کوي ټوله ورځ له اشرف غني سره ناست وي، وروړه اشرف غني څه کوي. د اشرف غني د کمپاین غړي: هو ولا دا اوس... امرخیل په تنده لهجه: دا خو نه دی چې زما مجلس و ورسره. زما مجلس مهم و که د هغه مجلس؟ دا خو ډېره بده خبره ده تاسو منډه کړئ د اشرف غني خولې ته ناست یې. د اشرف غني د کمپاین غړي: هو وروړه... امرخیل: بس ټوله ورځ هماغه خپل صفتونه دي. خپل صفتونه کوي ولا که یې زه کال کې گورم، تا دا کال کې زه لیدلې يم. د اشرف غني د کمپاین غړي: بلکل، بلکل... امرخیل: یو بل وروړه دا څینې خلک چې تاسو راته معرفي کړي دي. ماته ښه خلک... ادامه صفحه ۷

وزارت داخله:

اجازه بررسی پرونده امرخیل را ندادند



وزارت داخله اعلام کرد که کمیسیون انتخابات به هیأت این وزارت اجازه بررسی اتهامات وارد بر ضیاءالحق امرخیل را نداده است. فرمانده پولیس کابل، اخیراً ضیاءالحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات را متهم به تقلب گسترده به سود یک نامزد مشخص کرد و گفت که در این زمینه اسناد و شواهد معتبر در اختیار دارد. وزارت داخله در اعلامیه‌یی گفته است: «پس از آن که فرمانده پولیس کابل، رییس دارالانشای کمیسیون انتخابات را به انتقال غیر قانونی مواد حساس انتخاباتی متهم کرد، هیأتی را به تاریخ ۲۵ جوزا توظیف نمودیم تا از نزدیک با مسولان کمیسیون انتخابات موضوع را مورد بررسی قرار دهد؛ اما کمیسیون محترم انتخابات از پذیرفتن هیأت وزارت امور داخله برای تحقیق در این مورد، امتناع ورزید.» بر بنیاد این خبرنامه، مسولان کمیسیون انتخابات

ادامه صفحه ۶

کمیسیون شکایات:

ملل متحد تنها می‌تواند نظارت کند



سخنگوی کمیسیون شکایات انتخابات میان‌جیگری سازمان ملل را در مسأله انتخابات بی مورد دانست. در پی اعلام آمادگی سازمان ملل برای میانجیگری در مسأله انتخابات افغانستان، نادر محسنی روز یکشنبه به خبرنگاران... ادامه صفحه ۶

در برگ ها

تیم اصلاحات و همگرایی مواظب باشد



چرا فریود از امریکا متنفر بود؟



بانویی که عاشق قصه‌گویی بود



القاعده، بوکوحرام و داعش: این گروه‌ها چه می‌خواهند



احمد عمران

تیم اصلاحات و همگرایی مواظب باشد



با درمیانی سازمان ملل و هر نهاد و سازمان بین‌المللی و ملی دیگر برای حل بحران ثقل در انتخابات دور دوم، ضمن این که می‌تواند مورد استقبال جامعه معترض قرار گیرد، نگرانی‌هایی را هم در پی دارد. این نگرانی‌ها عمدتاً از این جا ناشی می‌شوند که گاه زیر نام مصلحت عمومی، می‌خواهند ارزش‌های مردم‌سالارانه را به نفع جریان‌های تمامیت‌خواه مصادره کنند. حال آن که هیچ مصلحتی در حال حاضر برای مردم افغانستان بزرگ‌تر از حمایت از قانون‌گرایی و ارزش‌های دموکراتیک بوده نمی‌تواند. هر کسی که بخواهد زیر نام‌های مختلف، این ارزش‌ها را صدمه بزند، در حقیقت خیانتی بزرگ را در حق مردم افغانستان روا داشته است.

در همین حال، تیم اصلاحات و همگرایی نیز باید در وضعیت حساسی فعلی نقشی را که به عهده گرفته، با مسوولیت به انجام رساند. نقش این تیم در دفاع از ارزش‌های دموکراتیک، بسیار سازنده بوده و این نقش نباید به معامله و چیزهایی از این قبیل تقلیل پیدا کند

نفع جریان‌های تمامیت‌خواه مصادره کنند. حال آن که هیچ مصلحتی در حال حاضر برای مردم افغانستان بزرگ‌تر از حمایت از قانون‌گرایی و ارزش‌های دموکراتیک بوده نمی‌تواند. هر کسی که بخواهد زیر نام‌های مختلف، این ارزش‌ها را صدمه بزند، در حقیقت خیانتی بزرگ را در حق مردم افغانستان روا داشته است.

در همین حال، تیم اصلاحات و همگرایی نیز باید در وضعیت حساس فعلی نقشی را که به عهده گرفته، با مسوولیت به انجام رساند. نقش این تیم در دفاع از ارزش‌های دموکراتیک، بسیار سازنده بوده و این نقش نباید به معامله و چیزهایی از این قبیل تقلیل پیدا کند.

آید. در همین حال، نباید فراموش کرد که نظام‌های دموکراتیک دشمنان خود را هم دارند و این گونه نیست که هیچ کسی نخواهد این ارزش‌ها را به بازی بگیرد و یا از آن‌ها به نفع خود سوءاستفاده کند. دشمنان جامعه باز به تعبیر زیبای کارل پوپر، تمامیت‌خواهان و گروه‌هایی‌اند که به انحصار قدرت فکر می‌کنند و عمدتاً با سوءاستفاده از قواعد بازی دموکراتیک، به عرصه قدرت پا می‌گذارند. مگر ادلف هیتلر در آلمان در انتخابات به پیروزی نرسید؟... دشمنان دموکراسی، دقیقاً با همان روش‌های دموکراتیک، قدرت سیاسی را به چنگ می‌آورند و بعد به دیکتاتوری‌های تمام‌عیار مبدل می‌شوند. آنچه که در جنبش ضد ثقل و موضع‌گیری‌های تیم اصلاحات و همگرایی متنازع می‌باشد، دفاع از ارزش‌های مردم‌سالارانه است. تیم اصلاحات و همگرایی نیامده که خود را بر اراده عمومی تحمیل کند، بل دغدغه اصلی این تیم، دفاع از ارزش‌هایی است که در سیزده سال گذشته شهروندان افغانستان برای آن‌ها جنگیده‌اند. حالا این ارزش‌ها به شکل‌های متفاوت در معرض تهدید قرار دارند.

ثقل در انتخابات، نوعی از تهدید می‌تواند باشد که جامعه را از مسیر دموکراتیک منحرف می‌سازد. آیا می‌توان در برابر اراده انحرافی ثقل خاموش بود؟ آیا این مسئله نمی‌تواند کل وضعیت موجود در کشور را با خطر روبه‌رو سازد؟ بدون تردید نگرانی عمده این است که در اثر ثقل آنچه که می‌تواند به کرسی بنشیند، چهره‌هایی از یک دیکتاتوری خواهد بود و دیکتاتوری در هر چهره‌ای که ظاهر شود، کل ارزش‌های جامعه را به نابودی می‌کشاند. این جاست که می‌توان ایستاده‌گی تیم اصلاحات و همگرایی را در برابر ثقل‌های سازمان‌یافته در انتخابات ۲۴ جوزا، مورد توجه قرار داد. این مقاومت، مقاومت در برابر دیکتاتوری و خودکامه‌گی است.

اما با درمیانی سازمان ملل و هر نهاد و سازمان بین‌المللی و ملی دیگر برای حل بحران ثقل در انتخابات دور دوم، ضمن این که می‌تواند مورد استقبال جامعه معترض قرار گیرد، نگرانی‌هایی را هم در پی دارد. این نگرانی‌ها عمدتاً از این جا ناشی می‌شوند که گاه زیر نام مصلحت عمومی، می‌خواهند ارزش‌های مردم‌سالارانه را به

جنبش ضد ثقل در انتخابات ۲۴ جوزا، در حالی وارد چهارمین روز خود می‌شود که سازمان‌های بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد برای حل بحران به وجود آمده در دور دوم انتخابات، اعلام آماده‌گی کرده‌اند. رئیس‌جمهور کرزی نیز در نشستی با علمای کشور، از اعلام آماده‌گی سازمان ملل متحد برای حل بحران استقبال کرده است. اما مسأله اصلی این است که بحران به وجود آمده به صورت تصادفی رخ نداده که بتوان با پادرمیانی، به حل آن امیدوار بود. ثقل‌های سازمان‌یافته به هدف مهندسی آرا به نفع تیم خاصی در جریان انتخابات و پیش از آن به صورت گسترده انجام شده که می‌تواند بر نتایج انتخابات اثرگذار باشد. تیم اصلاحات و همگرایی از آغاز این روند، با ارایه طرحی سازنده تلاش کرد که سلامت انتخابات در افغانستان را اعاده کند. در حال حاضر آنچه که با خطر مواجه می‌باشد، سلامت انتخابات به عنوان اصل اساسی تمثیل اراده مردم است.

وقتی مردم در انتخابات شرکت می‌کنند، به معنای این است که می‌خواهند بر اساس آرای آن‌ها زعيم آینده کشور تعیین شود. در غیر این صورت، مکانیزم‌های ساده‌تر رسیدن به قدرت همواره دم دست قرار دارد و جامعه افغانستان و حتا جهان، تجربه‌های تلخی را در این خصوص به خاطر دارند. معنای انتخابات این است که مردم سرنوشت سیاسی خود را رقم می‌زنند و نه یک حزب و سازمان و گروه مشخص. تفاوت دموکراسی با انواع نظام‌های تجربه‌شده در جهان، با همه مخاطرات و پیچیده‌گی‌های آن، در انتقال قدرت سیاسی به مردم است. هر نوع نظامی که از مردم نماینده‌گی نکند و بر اساس آرای آن‌ها شکل نگرفته باشد، جزو حاکمیت‌های استبدادی به شمار می‌رود. به همین دلیل است که در جهان معاصر، هیچ نظام سیاسی بی ادعای غیردموکراتیک بودن ندارد و بدترین دیکتاتورهای جهان نیز می‌گویند که از دموکراسی حمایت و پیروی می‌کنند.

در سیزده سال گذشته آنچه که در افغانستان اتفاق افتاد، نهادینه کردن ارزش‌های دموکراتیک بود. هرچند افغانستان گام‌های نخست در این راستا را برمی‌دارد، ولی حمایت مردم از ارزش‌های دموکراتیک سبب شده است که امیدواری‌های فراوانی به ایجاد جامعه باثبات و قانون‌مدار به وجود

سخن‌ماندگار

کمیسیون انتخابات

دیگر مشروعیت ندارد!

در نشست خبری دیروز ستاد انتخاباتی دکتر عبدالله، پوشه صوتی پخش شد که بعداً در اختیار رسانه‌ها نیز قرار گرفت. پخش این پوشه صوتی از آن جا بسیار حیاتی و مهم می‌نمود که در آن از روی بخش بزرگی از ثقل‌های انتخاباتی پرده برداشته شد. در این پوشه صوتی به وضاحت دیده و شنیده شد که شماری از مقامات بلندپایه کمیسیون انتخابات، نظیر ضیاء الحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات و نیز آدم خان سیرت، منشی شخص او، به طرف‌داران اشرف‌غنی و نماینده‌گان ستاد او دستور‌هایی صادر می‌کنند که نمایان‌گر ثقل گسترده از سوی کمیسیون انتخابات به سود اشرف‌غنی احمدزی است.

در کلیپ‌های صوتی شنیده می‌شود که کمیسیون انتخابات به نماینده‌گان ستاد اشرف‌غنی با زبان رمز دستور می‌دهد که چه‌گونه صندوق‌ها را به همکاری برخی از افراد پُر کنند. در این کلیپ‌ها گوسفند، نماد صندوق‌های رای است که به زبان رمز از سوی امرخیل و منشی‌اش به کار رفته است. هم‌چنان در این کلیپ‌ها شنیده می‌شود که افراد غیرمسوول از جاهایی خواسته می‌شوند و به عنوان متخصص امور انتخابات از سوی کمیسیون استخدام می‌شوند. تلویحا نمایان است که این افراد فقط مأمور شده‌اند تا ثقل گسترده‌یی را سازمان‌دهی کنند.

در یکی از این کلیپ‌های صوتی، از اسماعیل یون نام گرفته می‌شود که مسوولیت ثقل در ولایت لغمان را بر عهده دارد و نیز تأکید می‌گردد که نام او حساسیت‌برانگیز است و دستوردهنده، تنها از او به اسم اسماعیل یاد می‌کند.

از این کلیپ‌ها به روشنی پیداست که کمیسیون انتخابات، افرادی از قوم پشتون را در زمان استخدام در نظر می‌گرفته‌اند و در هر سایت انتخاباتی، استخدام چند فرد پشتون الزامی بوده است. بر بنیاد این کلیپ‌ها، ولایت‌های مشخصی از سوی اعضای ارشد کمیسیون انتخابات در نظر گرفته شده تا آرای آقای اشرف‌غنی در آن‌ها بالا برود.

اکنون با توجه به این سند، یک نکته را می‌توان نتیجه گرفت که به یقین روی آینده کشور تأثیرگذار است. این نکته آن است که با افشای این اسناد، دیگر کمیسیون انتخابات مشروعیت ندارد. اعضای ارشد کمیسیون انتخابات با استفاده از صلاحیت وظیفه‌یی‌شان و بنابر تعلقات قومی‌شان، آرای مردم را دزدی و نتایج انتخابات را وارونه شمارش کرده‌اند. چنین کاری یک خیانت ملی پنداشته می‌شود و هر کسی که باشد، باید به میز محاکمه کشیده شود. هرچند در آغاز یکی از خواسته‌های تیم اصلاحات و همگرایی این بود که باید وظیفه امرخیل به تعلیق درآید، اما حکومت با دیده‌درایی تمام او را نگه داشت و افزون بر آن، پروسه شمارش آرا ادامه پیدا کرد.

اگرچه موقف حکومت و کمیسیون تا هنوز روشن نیست، ولی به نظر می‌رسد که بازهم توجهی صورت نمی‌گیرد و ادامه کار شمارش آرا با خاینان ملی، به یقین که به خشم مردم دامن خواهد زد. چنان‌که در چند روز گذشته، تظاهرات گسترده و متعددی در گوشه و کنار کشور وجود داشته و به احتمال قوی، این وضع ادامه پیدا خواهد کرد. مؤید این حدس، گزارش دیگری است مبنی بر این که کمیسیون انتخابات از پذیرش هیأت حقیقت‌یاب سر باز زده است.

بنابراین، باز هم تقاضای مردم از حکومت آن است که با توجه به اسناد دست‌داشته، وضعیت کمیسیون انتخابات را مشخص کند. مشروعیت این کمیسیون اکنون سخت زیر سوال است. در حال حاضر، همه چشم‌امیدها به سوی حکومت و آقای کرزی دوخته شده است. آقای کرزی اگر می‌خواهد در این پایان کار نام نیکي از خود بر جا بگذارد، باید حکومت را سلامت به برنده بعدی برساند، آن هم از طریق یک پروسه شفاف.

به نظر می‌رسد که مردم به همین ساده‌گی ثقل را نمی‌پذیرند و نیز اعتمادشان را به کمیسیون کاملاً از دست داده‌اند. اگر بر ادامه کار کمیسیون پافشاری صورت گیرد و یا به خواسته‌های مردم پاسخ مقنع داده نشود، ممکن بحران دامن‌گیر کشور شود که در آن صورت، به یقین به سود هیچ‌کس نخواهد بود، حتا آقای کرزی!

فرانک گاردنر - بی بی سی

القاعده، بوکو حرام و داعش؛

این گروه‌ها چه می‌خواهند

جهادی خیلی آسان است که بتوانند نیروهای داوطلب پیدا کنند. مخصوصاً در مناطقی که دولت‌های آن رابطه‌ی نزدیک و دوستانه با غرب و آمریکا دارند، این کار برای القاعده آسان‌تر است که برای خودش اعضای تازه جذب کند.

تلفات غیرنظامی توسط حمله‌های هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در پاکستان و یمن کمک مهمی بوده تا گروه‌های تندرو بتوانند جنگجویان تازه جذب کنند.

حمله‌های هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در پاکستان و یمن، که عده زیادی از طراحان و برنامه ریزان جهادی را کشته است، همچنین باعث کشته شدن زنان و کودکان و غیرنظامیان و بالا رفتن حس انتقام شده است.

یازده سال بعد از آنکه حمله به عراق آغاز شد، آمریکا همچنان هدف خیلی از این گروه‌های جهادی است. آمریکا در کشورهای زیادی از جهان عرب به عنوان منبع اصلی مشکلات و دشواری‌های منطقه معرفی می‌شود.

خیلی از کسانی که به گروه‌های جهادی در جهان پیوسته اند، فکر می‌کنند به عقاید و ارزش‌های اسلامی و مذهبی آنها توهین شده، مورد تبعیض واقع شده‌اند و یا صدایشان خفه شده است.

مسائل شخصی خیلی از پیروان متعصب القاعده، که طرفدار ایده‌های خشن و نفرت پراکنی القاعده علیه غرب هستند، مردان جوانی هستند که به دنبال هدف و جایگاهی در زندگی‌شان هستند.

برخی از آنها اروپایی‌هایی هستند که به دین اسلام گرویده‌اند و یا بزه‌کارانی که در کشورهایشان با پلیس درگیر شده‌اند.

سپری کردن زمان در زندان معمولاً باعث شده آنها از قبل هم بنیادگراتر بشوند و تقریباً همه با دیده منفی به دولت‌های خود نگاه می‌کنند.



محلی، منطقه‌ای و ملی باعث به وجود آمدن گروه‌های جهادی شده است که برخی اوقات ارتباط اندکی به هسته اصلی القاعده دارد.

به طور مثال بوکو حرام در نیجریه، به عنوان یک جنبش سیاسی و مذهبی برای بهبود بخشیدن به وضعیت مسلمانان در شمال نیجریه شروع به فعالیت کرد. ولی بعد از سال ۲۰۰۹ به سرعت تبدیل به یک گروه جنگجو و خشونت طلب شد.

در یمن، القاعده شبه جزیره عربستان، توانست از خلاء امنیتی که از میانه بهار عربی و جنبش‌های مربوط به آن در سال ۲۰۱۱ ایجاد شد، استفاده کرد و به نفوذ به مناطقی که تحت کنترل نیستند یک نوع حکومت «عادلانه» برقرار کرد و از آن مناطق به مواضع دولت حمله می‌کند.

دولت‌داری بد این یکی از عوامل اصلی حرکت به سوی افراط‌گرایی است. در کشورهایی با اکثریت مسلمان که دولت‌های ملی و نیروهای امنیتی آنها به فساد شهرت دارند و سوء استفاده از قدرت در آنها رواج دارد، برای گروه‌های

نزدیک سیزده سال از حمله ویرانگر یازده سپتامبر توسط القاعده می‌گذرد. گروهی که مسوول آن حمله بود و دیگر گروه‌های جهادی هنوز مشغول فعالیت‌اند. اما چرا با وجود همه تلاش‌های بین‌المللی چنین اتفاقی افتاده است؟

از سازمان القاعده اصلی که در سال ۱۹۸۹ در آستانه خروج اتحاد جماهیر شوروی سابق از افغانستان توسط عبدالله عزام و اسامه بن‌لادن به وجود آمد چیز زیادی باقی نمانده است. در سال ۲۰۱۱ محل اختفای بن‌لادن در پاکستان کشف و او کشته شد. جانشین بن لادن، ایمن الظواهری جراح مصری و شخصیتی غیرکاربزماتیک و گوشه گیر است. او اگر چه گاه و بیگاه بیانیه‌هایی را در اینترنت منتشر می‌کند ولی دیگر گروه‌های جهادی از او انتقاد می‌کنند که بیانیه‌هایش با اتفاقات روز همخوانی ندارد.

در یک دهه گذشته گروه بزرگی از رهبران القاعده و فرماندهانشان در حمله‌های هوایی جنجالی یا عملیات مخفی دستگیر یا کشته شده‌اند. آنچه از هسته اصلی القاعده باقی مانده گروهی است که بعد از ترک افغانستان در سال ۲۰۰۱ به مناطق قبیله‌نشین پاکستان فرار کردند.

ولی مقامات جنبش ضد تروریستی جهانی بهانه زیادی برای خوشحالی ندارند. به جای از میان بردن القاعده، این گروه به گروه‌های کوچکتر تبدیل شده است. این گروه‌های تازه در اطراف خاورمیانه، آفریقا و آسیا با جمع‌کنندگی از پیروان جهادی در اروپا تبدیل شده‌اند.

حمله‌های تروریستی اگرچه نه به اندازه حادثه یازده سپتامبر ولی همچنان ادامه داشته است.

اما چه چیزی به بقای گروه‌های جهادی کمک می‌کند؟ نمی‌توان گفت این یک لیست کامل است ولی به مجموعه دلایلی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد تا از بین رفتن و ناپدید شدن کامل القاعده راه درازی باقی مانده است.

نارضایتی‌های ملی و منطقه‌ای از صحرای آفریقا تا جنوب فیلیپین، نارضایتی‌های

حزب حاکم بر ازیل دیلما روسف را نامزد انتخابات ریاست جمهوری معرفی کرد



حزب حاکم بر ازیل رسماً رییس‌جمهور این کشور را نامزد انتخابات پنجم اکتبر ۲۰۱۴ اعلام کرد تا وی شانس خود را برای انتخاب مجدد در این روند رقابتی امتحان کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، میزان محبوبیت دیلما روسف، رییس‌جمهوری برزیل به دلیل هزینه‌های بالای زندگی و اقتصاد کند در حال پایین آمدن است و همین امر باعث شد تا وی در افتتاحیه بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۴ در برزیل مورد «هو» حضار و شرکت‌کنندگان قرار گیرد.

روسف سال گذشته میلادی تظاهرات گسترده برزیلی‌های خواستار خدمات بهتر بهداشت، آموزشی و حمل و نقل عمومی را از سر گذراند و بنابر نظرسنجی‌ها، همچنان شانس انتخاب مجدد برای دور دوم ریاست جمهوری را دارد اگرچه پیشرو بودنش در ماه‌های اخیر کاهش یافته است.

روسف در جمع اعضای حزب حاکم کارگر گفت: ما با یک چالش مواجه هستیم چرا که کیفیت زندگی در برزیل بهبود یافته و زمانیکه چنین چیزی در یک کشور رخ دهد، درخواست‌های مردم بیشتر می‌شود و کیفیت‌ها ترقی می‌کنند. حزب حاکم کارگر برزیل قصد دارد تا مبارزات انتخاباتی خود را با تمرکز بر رفاه اجتماعی و توزیع درآمد آغاز کند. در دوران زمامداری حزب حاکم، ۳۵ میلیون برزیلی از فقر نجات یافته‌اند.

رقیب اصلی روسف، آیسینو نوس، از حزب میانه‌روی سوسیال دموکراسی برزیل بیشتر با هدف بهبود اوضاع اقتصادی در جذب سرمایه‌گذاری‌ها و رشد اقتصاد کشور پا به این رقابت انتخاباتی گذاشته است.

اوباما:

اقدامات نظامی آمریکا بدون اتفاق نظر عراقی‌ها بیهوده است



رییس‌جمهوری آمریکا گفت: اگر رهبران عراقی به اتفاق نظر نرسند و اختلافات را کنار نگذارند، اقدامات نظامی آمریکا نیز قادر نخواهد بود تا به عراقی‌ها کمک کند.

باراک اوباما، رییس‌جمهوری آمریکا به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت: رهبران عراق باید به یک راه‌حل سیاسی جامع در حل و فصل بحران دست یابند وگرنه هیچ قدرتی و حضور نظامی آمریکا قادر نخواهد بود بحران را در عراق ریشه کن کند. وی افزود: بدون اتفاق نظر در میان رهبران عراقی، اقدامات نظامی آمریکا بی‌نتیجه و عبث خواهد بود.

در همین حال، یک گروه مخالف جنگ در آمریکا موسوم به ANSWER اعلام کرد در شهرهای لس‌آنجلس، شیکاگو و واشنگتن دست به راهپیمایی زده تا از برنامه احتمالی اوباما در جنگ علیه شبه‌نظامیان و تروریست‌ها در عراق انتقاد کند. اوباما در ادامه به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت: ما به دولت بغداد فرصت دادیم تا دموکراسی جامع و کاملی داشته باشد، تا برای آینده کودکان عراقی به همکاری با فرقه‌های مختلف بپردازد اما متأسفانه نشانه‌هایی از عدم اعتماد دیده می‌شود. شکی نیست که در حال حاضر سنی‌ها دسترسی برای حضور در روند سیاسی عراق و همکاری با دولت شیعه این کشور را ندارند و این همان علت بروز ناآرامی و درگیری‌ها در عراق است.

وی افزود: بخشی از اقدامات و تلاش‌های آمریکا مربوط به این است که ببینند آیا رهبران عراقی آماده کنار گذاشتن اختلافات فرقه‌ای و تعهد به گفته‌ها و همکاری با یکدیگر هستند یا خیر.

جان کری با سیسی در قاهره دیدار کرد



جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده، در سفری از پیش اعلام نشده به مصر رفته است. آقای کری با عبدالفتاح سیسی، که به تازگی در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسیده است، دیدار کرد.

آقای کری پیش از دیدار با رییس‌جمهور مصر، به وزیر خارجه این کشور

ارتش این کشور خواهد داد. ناظران می‌گویند سفر جان کری در فاصله‌ای کوتاه پس از تحلیف عبدالفتاح سیسی، نشانه‌ی از این است که آمریکا به هر حال همچنان به مصر به عنوان شریکی استراتژیک می‌نگرد و خواهان نقش‌آفرینی فعالانه در سیاست این کشور است.

کیم قطاس، خبرنگار بی‌بی‌سی که سفر خاورمیانه‌ای جان کری را پوشش می‌دهد، پیش از این دیدار گفت که انتظار می‌رود جان کری در دیدارش با عبدالفتاح سیسی مساله حکم اعدام صدها عضو اخوان‌المسلمین را مطرح کند و خواهان این شود که فضای سیاسی بخش‌های مختلف جامعه را در برگیرد.

بوسه الیسی بر پیشانی ملک عبدالله جنجال آفرید

بوسه عبد الفتاح الیسی رییس‌جمهور جدید مصر بر پیشانی ملک عبد الله بن عبد العزيز پادشاه عربستان در دیدار اخیرش در فرودگاه قاهره، جنجال آفرید. الیسی جمعه شب گذشته به دیدار ملک عبد الله که هواپیمایش در راه بازگشت از مغرب در فرودگاه قاهره توقف کرده بود، رفت و به محض دیدن وی بوسه‌ای بر پیشانی وی زد.

در همین رابطه کاربران سایت‌های اجتماعی به اظهار نظر درباره این موضوع پرداخته و یکی از آنها این اقدام الیسی را نشانه اصالت و اخلاق عربی و احترامی دانست که شان و منزلت صاحب این اقدام را بالا می‌برد.

یک کاربر دیگر این بوسه الیسی را گران‌ترین بوسه در جهان نامید در حالی که یک کاربر دیگر با انتقاد از این اقدام الیسی نوشت: این بوسه، بوسه بر سر حامی جنایت‌های الیسی علیه ملت مصر بود. یک کاربر دیگر این اقدام الیسی را اقدامی نمادین به دلیل احترام ملت مصر به ملک عبد الله دانست و در مقابل یک کاربر معترض نیز با انتقاد از این اقدام نوشت: یک گروه بر کتاب خداوند بوسه می‌زند و به دلیل ترس از خدا به ملت خود احترام می‌گذارد و یک عده نیز پیشانی رهبر خود را از ترس می‌بوسند.



بخش دوم و پایانی

رفاقت آزاد بین زن و مرد



دوستی و رفاقت وقتی ادامه پیدا می‌کند که ناراحتی‌ها و اختلافات گذشته کنار گذاشته شوند و لجاجتی و انتقام‌جویی جای خود را به گذشت و رفتار مسالمت‌آمیز بدهد. بعضی از اختلافات ممکن است برطرف نشود و اگر هم چنان مورد بحث و گفت‌وگو باشد، به روابط زن و شوهر لطمه بیشتری وارد می‌کند و زنده‌گی آن‌ها را تلخ می‌کند. اما اگر با مسکوت گذاشتن آن مسأله در بهبود روابط و رفع سوء تفاهات کوشش شود، صمیمیت و همکاری را حفظ می‌کند

کسانی که با شناخت لازم از همسر خود با او ازدواج می‌کنند، پایه‌ی محکم برای زنده‌گی خود می‌گذارند. گفت‌وگو درباره‌ی مسایل و مشکلات زنده‌گی می‌تواند زن و شوهر را به یکدیگر نزدیک‌تر کند، اختلافات را تا حد لازم برطرف کند و روابطی صمیمانه بین آن‌ها برقرار سازد.

انتظارات بی‌مورد

روابط دوستانه وقتی محکم می‌شود که توقعات زن و شوهر از هم در حد منطقی باشد. بعضی از شوهران از همسر خود انتظار دارند که همیشه کارهای آن‌ها را تأیید کند و مطیع آن‌ها باشد. اگر در مواقعی از آن‌ها انتقاد کند، ناراحت می‌شوند و عکس‌العمل نامطلوب از خود نشان می‌دهند. آن‌ها از دوستان خود چنین انتظاری را ندارند و به آن‌ها اجازه می‌دهند که انتقادات خود را نسبت به او بیان کنند. بعضی افراد برای این که دوست پیدا کنند، سعی می‌کنند با اشخاص دیگر علایق مشترک پیدا کنند و به این وسیله با آن‌ها دوست شوند و به بعضی از جزئیات زنده‌گی دوستان خود توجه دارند. اما درباره‌ی سرگرمی‌ها و تمایلات همسر خود این توجه را ندارند.

تحمیل نظریات خود به همسر، مانع ایجاد روابط کاملاً دوستانه و صمیمانه است.

عدم قبول برخی تفاوت‌ها

آیا روابط دوستانه مستلزم آن است که زن و شوهر مثل یکدیگر فکر کنند و هیچ گونه تفاوت و اختلافی بین آن‌ها نباشد؟ بسیاری از افرادی که با یکدیگر دوستی صمیمانه دارند، اختلاف نظر و تفاوت سلیقه یکدیگر را تحمل می‌کنند. البته به طور کلی، توافق زن و شوهر ضرورت دارد و با وجود برخی تفاوت‌ها روابط آن‌ها می‌تواند صمیمانه باشد. باید اختلافات جزئی را تحمل کرد. تفاوت‌های عقیده‌ی یا سلیقه‌ی می‌تواند موجب گفت‌وگوها و مشورت‌ها باشد، اشتباهات را روشن کند و زنده‌گی را از یک‌ناوختی بیرون بیاورد.

لجاجتی و انتقام‌جویی

دوستی و رفاقت وقتی ادامه پیدا می‌کند که ناراحتی‌ها و اختلافات گذشته کنار گذاشته شوند و لجاجتی و انتقام‌جویی جای خود را به گذشت و رفتار مسالمت‌آمیز بدهد. بعضی از اختلافات ممکن است برطرف نشود و اگر هم چنان مورد بحث و گفت‌وگو باشد، به روابط زن و شوهر لطمه بیشتری وارد می‌کند و زنده‌گی آن‌ها را تلخ می‌کند. اما اگر با مسکوت گذاشتن آن مسأله در بهبود روابط و رفع سوء تفاهات کوشش شود، صمیمیت و همکاری را حفظ می‌کند.

اگر انسان‌ها فاقد دوست و رفیق باشند، تنهایی خاصی را احساس می‌کنند. اما همسر آن‌ها می‌تواند و باید بهترین دوست و یار وفادار آن‌ها باشد و تکیه‌گاه روحی باارزشی برای آن‌ها به حساب آید.

منبع: تیبان

بخش چهارم و پایانی

چرا فروید از امریکا متنفر بود؟

هاوارد ال. کی

برگردان: نازنین اصغری

فروید در کتاب "روانشناسی گروهی" (Group Psychology) که مدت کمی بعد از جنگ جهانی اول نوشت، آشکارا بیش از همه از نیروی مخرب "خواست اقتدار" بیم دارد. وقتی این خواست ارضا شود، می‌تواند باعث سقوط اجتماعی و روانی مردم شود، یعنی فقدان فردیت و دقت فکری، غلبه‌ی زنده‌گی خیالی بر زنده‌گی واقعی (که به خصوص در دنیای عقیدتی ساده‌انگارانه پرزیدنت وودرو ویلسون در قانون چهارده‌ماده‌ی او (Fortheen Points) او دیده می‌شود). ایجاد دشمنی و حتی وحشی‌گری نسبت به کسانی که به گروه آن‌ها تعلق ندارند، پیش می‌آید. وقتی این خواست سرکوب شود یا طلسم قدرت

این که تشخیص می‌دهد رهبر همان تصویر پدر است، دیگر هرگز نمی‌تواند مثل قبل مشتاق باشد." فروید در کتاب "تمدن و ناخسندی‌هایش" در سال ۱۹۳۰، ایده‌آل انسان مستقل خود را توضیح می‌دهد و از مثال "تاجر محتاط" استفاده می‌کند که با استفاده از "تکنیک‌های زنده‌گی" مثل عشق، کار، خیال و تعالی از زنده‌گی لذت می‌برد نه این که از طریق یک "اشتیاق احمقانه" و به خصوص فریب و اغفال گروهی به دنبال خوش‌بختی بگردد. اما یک بار دیگر امریکا مثل هاله‌ی که از دور هویدا شود، در ذهن فروید پیش می‌آید و نسبت به ایجاد خطری معکوس هشدار می‌دهد. خطری که نظریه‌ی خودش هم می‌تواند در آن سهیم باشد. در جامعه‌ی که افراد آن از هیچ قدرتی فرمان نبرند و

تساوی‌طلبی و خصومت با قدرت فردی و جمعی، احساس شخصی، غلبه بر حسادت و تجاوز و حتا خود استقلال فکری را تضعیف می‌کند. اما از نظر فروید خطر بزرگ‌تر این بود که آشتی دادن و الهام بخشیدن به چنین افراد بی‌خاصیتی با نیازها و ایده‌آل‌های زنده‌گی متمدن و رنج‌ها و اینارهایی که مستلزم این گونه زنده‌گی است، مشکل است و در نتیجه این افراد به نام رستگاری خیالی در معرض بیماری‌های روانی، ناراضی‌تی و همان‌طور که یونگ می‌گفت پتانسیل انفجاری "خصومت نسبت به تمدن" قرار می‌گیرند. فروید در کتاب "تمدن و ناخسندی‌هایش" هشدار می‌دهد که وضعیت فرهنگی کنونی امریکا کاملاً آسیب خوردن به تمدن را ثابت می‌کند که باید از آن ترسید.

فروید به عنوان یک نظریه‌پرداز می‌کوشد خیال‌ها و توهمات که در پشت پرده‌ی پست‌ترین تمایلات و عالی‌ترین اشتیاق‌های ما وجود دارد، به ما نشان دهد. شر چیزی جز بازگشت کودکی نیست، حس عدالت‌طلبی "واکنش وارونه" است در مقابل حسادت، آرمان‌ها فقط رمانتیک‌سازی هستند، پیوستن به قدرت چیزی نیست جز احساس کودک خطاکاری که در پی حمایت است. با این وجود فروید که به خوبی از ملزومات یک زنده‌گی متمدن آگاه بود، خودش شخصاً به آنچه که از حیث نظری به آن حمله می‌کرد، متعهد بود.

فروید سعی می‌کرد این کشمکش اصولی را در کلمات آراسته‌شده فرو برد. می‌گفت "هر چیز که اخلاقی است، بدیهی است" یا "درک همه به معنی بخشیدن همه نیست" به ایده‌آل‌های عالی خودش که فاقد ایمان مذهبی بود، می‌بالید. به بیان دیگر، به این عقیده اثبات‌گرا باور داشت که مطالبات اخلاقی تمدن را می‌توان بر مبنای علمی و منطقی شکل داد یا حداقل برای برگزیده‌گان فرهنگی این گونه است. بین این افراد برگزیده نراکت و تربیت و قانون منطبق با تمرین و ممارست زیاد، درونی شده است. پس توده مردم که برای آن‌ها عشق به چشم‌پوشی غریزی هنوز ترویج نشده چه می‌شوند، فقط از طریق شناخت قدرت و تقلیدشان از رهبر است که می‌توانند پیشرفت کنند و به کار کردن تشویق شوند و به چشم‌پوشی‌هایی که وجود یک تمدن به آن وابسته است، متعهد شوند.

دورنمای برگزیده‌گان امریکا توسط وودرو ویلسون به صورت افرادی که به دلیل روان‌رنجوری عاجزند، ضعف اخلاقی دارند و بنابراین نمی‌توانند رهبران خوبی باشند (برای مردمی که با هر قدرتی خصومت دارند) به تصویر کشیده شده؛ تصویری که از نظر فروید تمسخر آخرین امید اوست. در واقع انتشار نظریه‌ی روان‌کاوی خود فروید، هدایت اخلاقی و تعالی اخلاقی را به طور فزاینده‌ی با مشکل روبه‌رو کرد. تعجبی ندارد که فروید از امریکا متنفر بود. امریکا نماد بدترین ترس‌هایش بود و دوست‌داشتنی‌ترین امیدهایش را به چالش می‌کشید. از همه مهم‌تر این که: امریکا اشاره‌ی بود به آن دنیایی که در نظریه‌های خودش و تلاش‌های درمانی‌اش به تصویر می‌کشید.

منبع:

Howard L. Kaye, Why Freud Hated America, The Wilson Quarterly, Vol. 17, No. 2, pp. 118-125



هر کدام به دنبال لذت و امنیت خود باشند، از صدمه زدن، توهین کردن و افترا زدن به دیگران فروگذار نخواهند کرد. بنابراین تمدن باید نهایت تلاشش را بکند تا غرایز سرکش بشر را مهار کند. به بیان دیگر، در تمام مراحل زنده‌گی نیاز به قدرت وجود دارد. حسادت باید به احساس گروهی تبدیل شود، پرخاشگری نسبت به دیگران جایش را به احساس گناه نسبت به چنین وسوسه‌هایی بدهد و عشق شهوانی با علاقه و عاطف عوض شود. از نظر فروید، قدرت قهری دولت و "منفعت کار گروهی" به تنهایی نمی‌تواند یک جامعه و "روح افراد" را متعهد نگه دارد به‌خصوص وقتی جوامع بزرگ و ناهمگن می‌شوند، جوامع کوچک‌تر و گروه‌های فرهنگی از مزیت "خودشقیته‌گی اختلافات کم" به ره می‌برند و درون گروه خود پیوسته‌گی دارند و نسبت به همسایه‌گان خود خصومت نشان می‌دهند. اما از نظر روانی چه چیزی می‌تواند جامعه‌ی به ناهمگنی امریکا را متحد نگه دارد؟

با مرگ رهبر بشکند یا رفع توهم بشود، ناشکیبایی و حتا ظلم نسبت به دیگران ممکن است فروکش کند، اما انحلال و از هم پاشیده‌گی روانی و اجتماعی را به دنبال دارد. جنگ جهانی فاجعه‌آمیزی که به تازه‌گی تمام شده بود، در میدان‌های جنگ روان‌رنجوری‌های بی‌شماری را در سربازان و ترس گروهی عمیقی را در اثر مرگ فرماندهی ایجاد کرده بود. در زمان او احساسات مذهبی بیدار شده بود و به نظر فروید هم‌زمان با سعی انسان در دور ریختن عقاید قدیمی و چنگ زدن به عقاید جدید که جامعه‌گرایی و ملیت‌گرایی جزء آن‌ها است، امکان پیش روی بشریت به افسرده‌گی و شیدایی صورت می‌گیرد.

فروید ترجیح می‌داد این چرخه مخرب افسون‌گر را بشکند. فروید با نشان دادن این انتقال و استفاده از آن امیدوار بود که روان‌کاوان آن را از بین ببرند و بدین ترتیب، فردیتی واقعی را به وجود بیاورند که غلبه شور و شوق گروهی واکسینه شده و بتواند حداقل مستقل باشد. فیلیپ ریف (Philip Rieff)، در مطالعه افکار فروید این موضوع را به طور خلاصه چنین بیان می‌کند: "یک هواخواه بعد از

پانوپ که عاشق قصه گوئی بود

زهره شکیب مهر

آگاتا که از کودکی داستان تعریف کردن را دوست داشت، با خانواده کوچکش در یک شهر تفریحی انگلستان زنده‌گی می‌کرد. دختر خردسال با استعداد، دوستانش را دور هم جمع می‌کرد و ساعت‌ها برای‌شان قصه‌های عجیب‌وغریب تعریف می‌کرد. همین ذوق و علاقه‌اش باعث شد مادر با فرهنگ و کمالاتش، به توانایی دخترش توجه کند، او را به مکتب نفرستد و خودش شخصاً در خانه آموزشش بدهد. کدام کودک است که از مکتب نرفتن بدش بیاید؟ خصوصاً وقتی قرار است معلم، مادر مهربانش باشد. مادرش همیشه او را در راه داستان خواندن و نوشتن، راهنمایی و تشویق می‌کرد. حتی یک بار وقتی آگاتا کوچک آنفلوآنزای سختی گرفته و مجبور بود چند روز در رخت‌خواب بماند، مادرش به او گفت: «بهتر است داستان بنویسی و به هیچ وجه فکر نکنی که نمی‌توانی. من مطمئن هستم تو از عهده‌اش برمی‌آیی!» این همه اعتماد به نفس به علاوه استعداد ذاتی نوشتن، از او یک «ملکه جنایت» ساخت؛ لقبی که هم‌میهنانش در انگلستان به او داده‌اند.

اصلاً آگاتا کریستی انگلیسی‌ها بود. برای همین با وجود پدر آمریکایی‌اش، هیچ وقت تابعیت آمریکایی نگرفت. او یک انگلیسی تمام‌عیار بود و تا آخر عمرش برای انگلیسی‌ها داستان‌های پولیسی خواندنی نوشت. ۶۶ داستان نام او را در رکورد‌های گینس به عنوان پرفروش‌ترین نویسنده کتاب برای همیشه ثبت کرده است. او بعد از شکسپیر، دومین نویسنده پرفروش در ژانرهای مختلف هم هست. نمایشنامه‌ی هم که نوشت - تله موش - رکورد بیشترین اجرا در کل نمایش‌نامه‌های دنیا را به‌دست آورد و می‌گویند یک میلیارد از کتاب‌هایش به زبان انگلیسی و یک میلیارد به ۱۰۳ زبان مختلف، ترجمه و چاپ شده‌اند. همین فرانسوی‌های پرمدا که همیشه با انگلیسی‌ها دعوی این‌که «چه کسی با فرهنگ‌تر است؟» دارند، تا به حال ۴۰ میلیون نسخه از کتاب‌های آگاتا کریستی را خریده‌اند. هرچند خیلی‌ها معتقدند او در بیشتر داستان‌هایش، کار فوق‌العاده‌ی نکرده و همان شیوه نویسنده‌های قبلی داستان‌های پولیسی - معمایی را ادامه داده؛ داستان‌هایی که در عهد انگلیس و ویکتوریایی می‌گذرند؛

با آن دیسپلین طبقه مرفه و بورژوا!
الگوی داستان‌ها همان الگوی قدیمی بود؛ قتلی اتفاق می‌افتد و انگار که در یک اتاق کاملاً تاریک صورت گرفته باشد. قاتل دود شده و رفته هوا، کسی هم از انگیزه‌های قتل خبر ندارد. آن وقت است که سر و کله یک کارآگاه باهوش و آب‌زیرکاه پیدا می‌شود که دانه به دانه سرنخ‌ها را کشف می‌کند و خواننده را دنبال خودش می‌کشانند. بعد از کلی کش‌وقوس، در پایان کارآگاه با هوش ذاتی‌اش از راز قتل و قاتل پرده‌برداری می‌کند. خواننده هم که رو دست خورده، آه از نهادش بلند می‌شود و فکر می‌کند حدس زدن پایان ماجرا کار سختی هم نبود، اگر او هم حواسش را جمع می‌کرد و در طول داستان نخ‌ها را می‌گرفت!

اما این‌همه خواننده پر و پا قرص، برای شنیدن داستان‌های تکراری، دور و بر خانم کریستی جمع نشده بودند. او نکات ظریفی را چاشنی داستان‌هایش کرده بود. آگاتا داستان‌های قتل و جنایت را با هوش و ذکاوت سرشارش بین مردم عادی آورده بود. قتل ساده اتفاق می‌افتاد و در پایان ماجرا، مردم احساس نمی‌کردند این ماجرا ممکن نیست برای‌شان اتفاق بیافتد. آگاتا کریستی تمام علت و معلول‌های داستان‌هایش را از زنده‌گی عادی مردم زمان خودش می‌گرفت. برای انگیزه‌های قتل دلایلی می‌آورد که باورش برای مردم راحت بود و هر روز با آن سر و کار داشتند. کریستی در داستان‌هایش به مخاطب و کارآگاه به یک اندازه اطلاعات می‌داد و از گروه‌های تروریستی عجیب‌وغریب یا سم‌های مهلک استفاده نمی‌کرد. او خواننده را مجبور می‌کرد از یک جایی به بعد در داستان مدام حدس بزند و در حدس‌وگمان‌هایش غرق شود. داستان را تا جایی پیش می‌برد که دیگر خواننده از حل معماها ناامید می‌شد. آن وقت کارآگاه پوارو با این سلول‌های خاکستری معروفش یا یکی دیگر از شخصیت‌های جذاب داستان‌هایش، آخر داستان را طوری تمام می‌کردند که انگار حل معماها فقط کار خودشان بوده و بس.



کریستی خالق پوارو می‌گوید: «خواستار کارآگاهش حتماً بلژیکی، تمیز و وسواسی باشد. هرچند بعدها زیرآب پوارو را زد و گفت، درباره‌اش اشتباه می‌کرده. او گفت باید بعد از چند داستان، این پیرمرد را بی‌خیال می‌شده و سراغ یک جوان‌تر می‌رفته!» واقعیت این است که آگاتا کریستی از خواننده‌ها و علاقه‌مندان پوارو ترسید و این کار را نکرد. اما بعد پواروی بیچاره را کشت و خانم مارپل را آفرید تا این طوری دق دلش را خالی کند!



آچمز می‌کرد. تخیل فوق‌العاده و ذهن منسجمش، او را برای نوشتن داستان‌هایی با ساختارهای منظم و محکم توانا می‌کرد. وقتی هم که یک پولیسی‌نویس تمام‌عیار و معروف شد، دیگر هیچ نویسنده‌ی نبود که بتواند روی دست داستان‌هایش بلند شود. او اولین داستانش را وقتی با مادرش در قاهره بود، نوشت؛ یک داستان پرشخصیت که بعد از مدتی بی‌خیالش شد و برای همیشه آن را در رُک می‌زاش گذاشت. جنگ جهانی در حال اتمام بود که با یکی از اعضای ارتش سلطنتی، به اسم آرچیبالد کریستی ازدواج کرد؛

نویسنده با یکی از بزرگ‌ترین ناشران انگلستان قرارداد بست. آگاتا کریستی در همان روزهای اول کارش بود که پدیده پوارو را به خواننده‌هایش معرفی کرد و با محوریت شخصیت او حدود ۵۰ داستان نوشت. او بعد از طلاق، با دخترش راهی سفرهای دور و درازی شد. در همان سفرها بود که با یک باستان‌شناس آشنا شد و با او ازدواج کرد. از آن به بعد آن باستان‌شناس هم‌سفر او در ماجراجویی‌های بی‌پایانش شد؛ ماجراهایی که او تا دم سکنه مغزی و مرگش از آن‌ها داستان ساخت. کریستی درباره پُرکاری عجیبش که آدم را به شک می‌انداخت، می‌گفت: «یکی از مشکلات ما نویسنده‌ها این است که گاهی شوق و ذوق‌مان برای نوشتن کتابی فروکش می‌کند. در این‌گونه مواقع آدم مجبور است کتاب را کنار بگذارد و به کاری دیگر مشغول شود ... و چون من خوشم نمی‌آمد بنشینم و به فکر فرو روم، فکر کردم که اگر هم‌زمان دو کتاب را در دست بگیرم و به تناوب از یکی به دیگری بپردازم، همیشه سرحال و مشغول به کار خواهم بود».

سر و کله خانم مارپل کنجکاو و دوست‌داشتنی، سال ۱۹۲۶ در یک داستان کوتاه در مجله معروف The Sketch پیدا شد. بعد از آن بود که شخصیت محوری یک داستان بلند به اسم «جنایت در خانه کشیش» شد که سال ۱۹۳۰ به بازار آمد. دوشیزه مارپل ۷۰ ساله در ۱۲ رمان و ۲۰ داستان کوتاه آگاتا کریستی حضور دارد. بعد از این‌که تلویزیون بی‌بی‌سی ۱۲ فیلم تلویزیونی بر اساس داستان‌های خانم مارپل را نشان داد، خانم مارپل شد یک صفت. وقتی یک خانم می‌خواست سر از یک ماجرا دریاورد، به او می‌گفتند: «خانم مارپل‌بازی درنیاور!» کنجکاو، بارزترین خصوصیت پیرزن روستایی داستان‌های کریستی بود. او پیرزنی سنتی، با دیسپلین و خوش‌استایل است. آگاتا کریستی، خانم جوان نیکسون (بازیگر نقش خانم مارپل) را در یک تیاتر دید، بعد از تیاتر به خانه رفت و برای جوان‌نامه‌ی نوشت. او در نامه به جوان نوشت که دوست دارد او نقش مارپل داستان‌هایش را بازی کند. آرزویی که تحقق پیدا کرد، اما ۸ سال بعد از مرگ خانم نویسنده!

آگاتا کریستی شخصیت خانم مارپل را خیلی دوست داشت، طوری که می‌گویند محبوب‌ترین شخصیت داستانی برای او بوده. بانوی داستان‌های پولیسی - معمایی در زنده‌گی‌نامه‌اش نوشته: «هیچ نوع نامهربانی در خانم مارپل نیست. او فقط نمی‌تواند به آدم‌ها اعتماد کند. هرچند انتظار بدترین چیزها را دارد، اما بیشتر آدم‌ها را با وجود کارهایی که انجام داده‌اند، با مهربانی می‌پذیرد.» او پیرزن بی‌آزاری است، هم ساده و هم زیرک. از پیچیده‌ترین ماجراهای پولیسی سر در می‌آورد و آن‌ها را به شکل مسالمت‌آمیز و زیرکانه حل‌وفصل می‌کند. از داستان‌های خانم مارپل، بارها و بارها اقتباس تلویزیونی و سینمایی و حتا انیمیشنی شده است.

هرکول پوارو را دیگر همه می‌شناسند. او یکی از مشهورترین شخصیت‌های تاریخ ادبیات است که در ۳۰ داستان بلند و بیشتر از ۵۰ داستان کوتاه نقش اصلی بوده. او یک بلژیکی‌الاصل است که قبلاً در بلژیک پولیس بوده، اما به دلایلی تغییر عقیده می‌دهد و کارآگاه خصوصی می‌شود. جنگ جهانی دوم که شروع می‌شود و بلژیک اشغال می‌شود، به انگلستان می‌رود. در انگلستان هم حسابی معروف می‌شود. او اتفاقی یک دست‌یار خوب پیدا می‌کند به اسم هستینگز. پوارو و هستینگز کلی معماهای پیچیده پولیسی را با هم حل می‌کنند. پوارو مغرور و خوش‌تیپ، از آن کارآگاه‌ها نبود که با نه‌مانده سگرت و پیدا کردن آلت قتل، مجرم را پیدا کند. او همه چیز را بررسی می‌کرد و بعد روی چوکی می‌نشست. آن‌وقت سلول‌های خاکستری‌اش را به کار می‌انداخت و صحنه جرم را برای خودش بازسازی می‌کرد. آگاتا کریستی خالق پوارو می‌گوید:

«خواستار کارآگاهش حتماً بلژیکی، تمیز و وسواسی باشد. هرچند بعدها زیرآب پوارو را زد و گفت، درباره‌اش اشتباه می‌کرده. او گفت باید بعد از چند داستان، این پیرمرد را بی‌خیال می‌شده و سراغ یک آدم جوان‌تر می‌رفته!» واقعیت این است که آگاتا کریستی از خواننده‌ها و علاقه‌مندان پوارو ترسید و این کار را نکرد. اما بعد پواروی بیچاره را کشت و خانم مارپل را آفرید تا این طوری دق دلش را خالی کند!

شد، ناشران انگلیسی حسابی هیجان‌زده شدند و خانم

آگاهان سیاسی و استادان دانشگاه:

ملل متحد تقلبات سازمان یافته کمیسیون‌های انتخاباتی را توجیه نکند

ناجیه نوری



اگر پادرمیانی سازمان ملل به‌خاطر وقت‌کشی و سرد ساختن احساسات مردم صورت گرفته باشد، ضمن اینکه نتیجه نخواهد داشت، سبب بی‌اعتمادی مردم افغانستان نسبت به جامعه جهانی نیز می‌گردد.

آگاهان سیاسی ضمن تأکید بر این مطلب می‌گویند، تا زمانی که هر دو نامزد و به ویژه نامزد معترض این روند را تأیید نکند، هر نوع میانجگری راه به خطا خواهد برد.

به گفته آنان، شریک بودن کمیسیون‌های انتخاباتی در انجام تقلب و تخلف‌های سازمان یافته یک اشتباه بزرگ تاریخی است که جبران آن غیر ممکن است.

تشنج‌های انتخاباتی زمانی اوج گرفت که کمیسیون انتخاباتی خواست‌های دکتر عبدالله نامزد پیشواز انتخابات را مبنی بر برکناری ضیاءالحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخاباتی که متهم به تقلب گسترده است و متوقف سازی شمارش آرا به دلیل تخلفات سازمان یافته که گفته می‌شود در چهار ولایت انجام شده را نپذیرفت.

دکتر عبدالله پس از پذیرفته نشدن خواست‌های‌اش از سوی کمیسیون انتخاباتی تمامی ناظران‌اش را از کمیسیون‌های انتخاباتی مرکز و ولایات فرا خواند، عملکرد کمیسیون‌های انتخاباتی را نامشروع دانست و خواستار دخالت سازمان ملل در امور انتخابات شد.

اما آیا پادرمیانی سازمان ملل متحد می‌تواند گره‌گشای این مشکل بزرگ که تمام مردم افغانستان را دچار سردرگمی کرده است، باشد؟

سیف‌الدین سیحون استاد دانشگاه کابل، پادرمیانی سازمان ملل متحد در بن بست سیاسی پیش آمده در انتخابات را به دلیل اینکه کمیسیون‌های انتخاباتی درمهندسی انتخابات نقش اصلی دارند، زیاد اثرگذار نمی‌داند.

او می‌گوید، در صورتی عملکرد سازمان ملل متحد در بحران پیش آمده مفید خواهد بود که آن را تحریم کند که مسلماً هیچ‌گاه این کار را نخواهد کرد.

این استاد دانشگاه پادرمیانی سازمان ملل متحد در این معضل را توجیه تقلبات سازمان یافته توسط کمیسیون انتخاباتی عنوان کرده تأکید می‌کند، سازمان ملل تنها می‌تواند نظارت تخنیکي داشته باشد که آن هم مشکلی را حل نخواهد کرد.

به گفته سیحون، تا زمانی که هر دو نامزد و به خصوص نامزد معترض این روند را تأیید نکند، هر نوع میانجگری راه به خطا خواهد رفت.

وی افزود، زمانی که ارگان ملی‌یی توسط افراد فاسد اداره می‌گردد و زمانی که ارزش‌ها و باورها توسط نهادهای ناکارآمد نادیده گرفته شده و قربانی اشخاص و افراد می‌گردد، بدون شک که انتخابات به طرف بحران خواهد رفت.

سیحون، شریک بودن کمیسیون‌های انتخاباتی را در انجام تقلب و تخلف یک اشتباه بزرگ تاریخی می‌داند که به باور او جبران آن غیر ممکن است.

او می‌گوید، کمیسیون‌های انتخاباتی در تقلبات سازمان یافته شریک اند و این اقدام آنان هر گونه شمارش و یا رفتن به طرف میکانسیم‌ها، پروسه را معلق‌تر ساخته و وضعیت را وخیم‌تر می‌سازد.

این استاد دانشگاه می‌گوید، هم حکومت، هم کمیسیون انتخابات و هم کمیسیون شکایات در یک تقلبات سازمان یافته شریک اند و این عملکرد آنان اعتماد مردم را صدمه زده و چون حامد کرزی هم

اصلاح انتخابات ناممکن است

وحید عمر



صحبتهای ضیاءالحق امرخیل با اعضای تیم دکتر اشرف غنی و کارمندان محلی کمیسیون را یک بار دیگر با دقت شنیدم. فکر می‌کنم دیگر سوالي در مورد این‌که این روند ملی به گونه سازمان یافته توسط امرخیل و تیم دکتر غنی اغوا شده است، وجود ندارد.

در این گفت‌وگوها مراکز رای‌دهی‌یی‌که در آن امکان برنده شدن دکتر عبدالله بوده است، به امر رییس دبیرخانه امرخیل بسته شده اند. رییس دبیرخانه امرخیل می‌کند که در فلان منطقه صندوق‌ها را به کوه برید و پُر کنید. ضیاءالحق امرخیل به عضو ارشد تیم دکتر غنی امر می‌کند که از مجالس اشرف غنی برآید و عملاً کار کنید. کارمندان کمیسیون به امر امرخیل به خاطر وابسته بودن به یک قوم برطرف می‌شوند و ... امرخیل با اعضای تیم دکتر غنی قسمی صحبت می‌کند که گویی امرشان باشد.

روندی که به خون جگر و با قربانی‌های بی‌شمار به راه انداخته شده بود تا مسیر آینده افغانستان را تعیین کند، بی‌شرمانه قربانی خواسته‌های شخصی با صلاحیت‌ترین مسوول کمیسیون انتخابات و یکی از تیم‌های انتخاباتی شده است. این کار خیانت ملی است!

من فکر می‌کنم که خواست دکتر عبدالله مبنی بر تعلیق در آوردن وظیفه امرخیل نمی‌تواند این معضل را پایان بخشد. امرخیل

با صلاحیت‌ترین مقام کمیسیون انتخابات است و از دید من این انتخابات به گونه که برگزار شده، غیر مشروع بوده و اصلاح کردن آن ناممکن است.

من نمی‌دانم که دکتر اشرف غنی همین لحظه چه فکر می‌کند؟ ولی من اگر جای او بودم، همین لحظه کنفرانس مطبوعاتی می‌گرفتم، از مردم افغانستان معذرت می‌خواستم، اعضای تیم ام را که این تقلب سازمان یافته را با امرخیل سازمان داده اند به دادستانی معرفی می‌کردم و به پیروزی دکتر عبدالله را برایش تبریک می‌گفتم. اگر بجای دکتر عبدالله بودم، هیچ چیزی کمتر از پیروزی ادعا نمی‌کردم. شاید یکی از راه‌های حل انتخابات دوباره در فضای بهتر باشد که نمی‌دانم چقدر ممکن است.

جنبش دانشجویی هرات:

اجازه ندهید دموکراسی بمیرد

شفافیت در انتخابات شده و گفته‌اند که دموکراسی در افغانستان در آستانه مرگ قرار دارد.

آنها، کمیسیون‌های انتخاباتی و حکومت را متهم به تقلب سازمان یافته به سود اشرف غنی احمدزی کرده و گفته‌اند که اجازه برپایی یک حکومت غیرقانونی و مبتنی بر تقلب را نخواهند داد.

عصمت الله عاصم، مسوول جنبش دانشجویی ضد تقلب به خبرنگاران گفت: «ما در اینجا به دفاع از نامزد خاصی نیامده‌ایم؛ بلکه می‌خواهیم تا صدای عدالت‌خواهی دیگر اقشار جامعه...»

ادامه صفحه ۶



هزاران تن از شهروندان و فرهنگیان هرات روز گذشته طی یک راه‌پیمایی مسالمت‌آمیز در این ولایت، خواهان تأمین عدالت و

دیگر رییس‌جمهور قانونی افغانستان نیست؛ بنابراین تنها راه حل این بن بست سیاسی ایجاد یک کمیسیون حقیقت‌یاب توسط افراد بی‌طرف و صادق است.

در عین حال، جاوید کوهستانی آگاه مسایل سیاسی می‌گوید: «پادرمیانی سازمان ملل در معضل انتخابات در صورتی موثر خواهد بود که عاملان تقلب‌های سازمان یافته به دادگاه کشانیده شده و در مناطق که آرای آن بیشتر از جمعیت آن است، انتخابات دوباره برگزار شود.»

او گفت: «پادرمیانی سازمان ملل متحد در صورتی مفید خواهد بود که این نهاد بی‌طرفانه و با در نظر داشت واقعیت‌های جاری افغانستان عمل کرده و کسانی را که در مهندسی انتخابات دست داشتند شناسایی و این اشخاص توسط نهادهای قضایی به محاکمه کشانیده شوند.»

کوهستانی می‌گوید: «اگر این پادرمیانی به‌خاطر وقت‌کشی و سرد ساختن احساسات مردم صورت گرفته باشد، ضمن اینکه نتیجه نخواهد داشت، سبب بی‌اعتمادی مردم افغانستان نسبت به جامعه جهانی نیز می‌گردد.»

او از سازمان ملل خواست تا سطح تقلبات انجام شده در انتخابات دور دوم را با در نظر داشت، وضعیت موجود افغانستان، احصایه نفوس و اتهاماتی که متوجه کارمندان ارشد کمیسیون‌های انتخاباتی است، به بررسی بگیرند.

این آگاه سیاسی تصریح کرد، زمانی که آرای یک ولایت درجه سوم بیشتر از جمعیت آن باشد، پس این مساله بیان‌گر مهندسی انتخابات است و باید کسانی که این مهندسی را انجام داده اند به محاکمه کشانیده شوند.

کوهستانی تأکید کرد: «ولی اگر سازمان ملل با پا در میانی به خاطر احاده حیثیت خود در دنیا، حق مردم افغانستان را نادیده گرفته و به نفع یک نامزد مشخص عمل کند، اشتباه بزرگی را مرتکب خواهد شد.»

او، تحمیل کردن یک نامزد مشخص را به عنوان رییس‌جمهور بالای مردم افغانستان توسط سازمان ملل و یا هم توسط کمیسیون‌های انتخاباتی غیر ممکن می‌داند.

به گفته این آگاه سیاسی، افغانستان امروز افغانستان بعد از یازدهم سپتامبر نیست که مجاهدین را از جنایات جنگی و مسایل حقوقی بشری بترسانند؛ بنابراین خوب خواهد بود که جامعه جهانی با در نظر داشت خواست مردم افغانستان عمل کند.

او تأکید کرد، اگر یک رییس‌جمهور نامشروع بر مردم افغانستان تحمیل شود، مردم خود دست به کار شده و نامزد برحق را به عنوان رییس‌جمهور خود اعلام کرده و از او حمایت خواهند کرد.

این آگاه سیاسی افزود، مردم رییس‌جمهور مشروع را انتخاب کرده و حکومت را کنترل کرده و خودشان مراسم تحلیف را برگزار کرده و ارتش و نظام سیاسی افغانستان را کنترل خواهند کرد.

برای دانشجویان



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
 شش ماهه - ۲۰۰ دالر
 نه ماهه - ۳۰۰ دالر
 یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
 یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - +۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵